

به نام خدا

قانون جذب چیست؟

آیا قانون جذب واقعیت دارد؟

جایگزین‌های قانون جذب کدامند؟

نویسنده: مهدی حکیم

نظریه‌پرداز و مدرس مهندسی فکر و شخصیت هوشمند

سلام بر شما دوست عزیز.

من مهدی حکیم هستم، مدرس و مبتکر نظریه شخصیت هوشمند و مهندسی فکر.

و به خاطر اینکه این سؤال، خیلی مطرح شده، و خیلی‌ها اولین چیزی که از من می‌پرسن اینه که:

آیا شما قانون جذب رو قبول دارید؟ آیا قانون جذب واقعیت داره؟ آیا قانون جذب باعث رشد آدم میشه؟ آیا قانون جذب واقعا باعث رسیدن آدم به خواسته‌هاش میشه؟ و خیلی سؤالات دیگه از این قبیل.

من این مقاله رو برای شما تهیه کردم تا توضیحات کاملی در این باره به دست بیارید.

۵) از کجا شروع کنیم؟

قبل از اینکه به این سؤال‌ها جواب بدم، و می‌دونم که خیلی مشتاق هستید جواب دقیق و درستی نسبت به این سؤالات به دست بیارید،

باید بگم که رسیدن به دیدگاه صحیح نیازمند یک سری پیش‌نیازهاست.

اینکه همینطور بیاییم و یه چیزی رو رد کنیم یا ادعا کنیم که درسته، اصلا روش یک انسان هوشمند نیست. بلکه روش انسان‌های مکانیکی که در کتاب بازسازی ذهن هوشمند به طور کامل در این باره صحبت کردیم. حتما این کتاب رو مطالعه کنید.

پس قبل از اینکه نسبت به چیزی تعصب پیدا کنیم و کورکورانه اونو رد کنیم یا ازش دفاع کنیم، باید یاد بگیریم چطور ذهنمون رو درست جهت دهی بکنیم. یعنی به ذهنمون اجازه بدیم که اطلاعات رو درست دریافت بکنه، درست تجزیه و تحلیل بکنه و درست به نتیجه برسه.

در غیر این صورت فقط داریم خودمونو گول می‌زنیم و یک بینش غلط برای خودمون به وجود میاریم.

با بینش‌های غلط، تنها در مسیرهای غلط قرار می‌گیریم و سالیان دراز، به این مسیر غلط ادامه خواهیم داد.

حتماً می‌پرسید که مشکل مسیر غلط چیه؟

هیچ مشکل خاصی وجود نداره مگر اینکه تمام سرمایه‌های مادی، معنوی و ذهنی شما از بین میره. هیچ اتفاق دیگه‌ای نمی‌افته!

پس شرط اول نتیجه‌گیری درست چیه؟

شرطش اینه که ذهنمون رو در مسیر درستی جهت‌دهی بکنیم.

بریم سراغ بحث داغ این مقاله

1) اصلاً قانون جذب یعنی چی؟

طبیعیه که اول باید مفهوم درست قانون جذب رو درک کنیم تا بتونیم درباره‌اش هم نظر بدیم.

ولی می‌دونید مشکل کجاست؟

هر کسی قانون جذب رو بر اساس دیدگاه و دل خودش تعریف می‌کنه.

پیش هر استادی که برید، برای خودش صاحب نظره. حالا بماند که قانون جذب یک منشأ و مبدأ مشخصی داره.

اگر قرار باشه که تعریف درستی ازش داشته باشیم، باید بریم سراغ خالق این ایده.

بقیه فقط برای بازارگرمی خودشون، در این نظریه، صاحب نظر شدن. و نظرات خودشونو به عنوان دیدگاه اصلی به دیگران قالب می‌کنن.

من دو تا دیدگاه اصلی در این زمینه رو برای شما بیان می‌کنم. شما هم می‌تونید در این باره سرچ کنید و ببینید هر کسی چطور این مسأله رو تعریف می‌کنه؟

(2) اولین اشتباه در شناخت قانون جذب:

خیلی جالبه که اکثر کسانی که قانون جذب رو ترویج می‌کنن، اولین حرفی که ازشون می‌شنویم اینه که:

قانون جذب مثل قانون جاذبه در فیزیک، یک قانون ثابت در جهان است!!!
عزیز من!

قانون جذب مثل قانون جاذبه یک قانون ثابت است؟؟؟

شما چطور به این دیدگاه رسیدی؟ دقیقا چه آزمایش‌های علمی برای چنین ادعایی انجام دادی؟

و همین یک جمله از مدعیان جذب کافیه تا شما، تا انتهای مطلب رو درک کنید.

شاید متوجه نشده باشید که دقیقا اینجا چه اتفاقی افتاده.

بزارید این موضوع رو برای شما کمی باز کنم.

وقتی که شما بدون ارائه هیچ مدرک و هیچ آزمایش معتبری، چنین ادعایی می‌کنید، و قانون جذب رو به یک قانون علمی تجربی و فیزیکی می‌چسبونید، تنها و تنها ثابت می‌کنید که هیچ دستاویز قابل اعتمادی ندارید. و فقط با این کار سعی می‌کنید، از تشابه اسمی و اعتبار یک مسأله دیگه، برای ادعای خودتون استفاده کنید.

خب طبیعیه که انسان‌های معمولی، چنین خطای فکری رو درک نکنن. ولی اگر کمی دقت کنید حتما متوجه می‌شید.

همین الان بگم، قانون جذبی که مطرح میشه هیچ ارتباطی به قانون جاذبه در فیزیک نداره. و مدعیان، تنها از شباهت اسمی و عملکرد قانون جاذبه، برای رسیدن به مقاصد خودشون استفاده می‌کنن.

3) تعریف اول از قانون جذب:

طبیعتاً این تعریفی که ارائه میدم از خودم نیست و به نقل از کسانی است که قانون جذب رو تدریس می‌کنن یا درباره‌اش می‌نویسن. چون من در این زمینه هیچ ادعایی ندارم. البته در انتها، قانون جذب رو به شکل درست براتون تعریف می‌کنم. به شکل درست یعنی همون اتفاقی که در قانون جاذبه می‌افته.

چون اگر قراره برای قانون جذب، از قانون جاذبه استفاده کنیم، باید خیلی شبیه به هم باشن. حتی در عملکرد. ولی چیزی که از قانون جذب مطرح میشه هیچ ربطی به قانون جاذبه و عملکردش نداره! تعریف اول قانون جذب و ساده‌ترین تعریفش اینه:

به هر چیزی که فکر کنید، آن را جذب خواهید کرد. چه چیزهای خوب و چه چیزهای بد.

یعنی به هر چیزی که فکر می‌کنید، در واقع در حال جذب کردن اون هستید.

در ادامه این تعریف متوجه میشیم که زندگی رو به مثبت و منفی تقسیم کردیم. حالا بماند که مثبت و منفی از نگاه هر کسی متفاوته. ولی مثلاً میگن ثروت یعنی یک چیز مثبت. یا مثلاً روابط عالی با دیگران یک چیز مثبته. همین مثبت و منفی هم معلوم نیست از کجا اومده.

حالا بیایید ببینیم برای اثبات این تعریف چکار می‌کنن.

میگن که شاید این قانون غیر واقعی به نظر بیاد ولی یه نگاهی به زندگی-تون بندازید. وقت‌هایی که منفی‌نگر هستید، برای شما اتفاقات منفی می‌افته و وقت‌هایی که حس خوب دارید، همه چیزهای خوب براتون اتفاق می‌افته.

پس همین نشون میده که قانون جذب، در هر لحظه داره اتفاق می‌افته.

چه استدلال جالبی!

حالا همین جا خیلی‌ها می‌گن که ما خیلی وقت‌ها حس خوب داریم، نگاهمون مثبت‌ه ولی اصلا اتفاقات خوب برامون نمی‌افته.

احتمالا جواب بدن که منفی‌نگر هستید بدون اینکه خودتون بدونید. چون قانون جذب یک قانون قطعی و اثبات شده. پس شما باید که دارید اشتباه می‌کنید.

من هم می‌گم کاش واقعا اول اثبات شده بود بعد چنین ادعایی می‌کردید. ولی یه چیز خیلی باحال دیگه که اتفاق می‌افته اینه که بعضی‌ها هستن و کاملا منفی‌نگرن. ولی همیشه براشون اتفاقای خوب می‌افته!

احتمالا اونا هم خودشون نمی‌دونن که مثبت‌نگر هستن.

البته یه چیزی رو همین الان بگم. من تا به حال کسی رو ندیدم که همیشه براش فقط اتفاقای مثبت بیفته. حتی همین کسانی که مدعی جذب و تدریسش هستن. خودشون خیلی وقت‌ها با مشکلات بزرگی دست و پنجه نرم می‌کنن.

و البته کسانی رو دیدم که هیچ اتفاق مثبتی براشون نمی‌افته. ولی دلیلش منفی‌نگری نیست. دلیلش چیز دیگری است که در کتاب بازسازی ذهن هوشمند به طور کامل درباره‌اش توضیح دادم.

نقد علمی این تعریف رو در ادامه و بعد از ارائه تعریف دوم انجام میدیم.

بریم سراغ تعریف دوم:

4) تعریف دوم قانون جذب:

قانون جذب قانون ارتعاش‌هاست. یعنی جذب هنگامی اتفاق می‌افتد که ارتعاشی هماهنگ با ارتعاشات خارجی از شما و ذهن شما ساطع شود. این ارتعاش‌ها همدیگر را جذب می‌کنند و به این ترتیب، شما، چیزهای خارجی را جذب خودتان می‌کنید.

در این تعریف دوباره می‌بینیم که برای اثبات قانون جذب، به یک قانون فیزیکی دیگر پناه بردن. ولی وقتی به این قانون فیزیک مراجعه می‌کنیم، متوجه میشیم که:

ارتعاشات مختلف همدیگر رو نه جذب می‌کنن و نه دفع می‌کنن.

خب حالا بریم سراغ تحلیل و بررسی قانون جذب و پیاده سازی اون در زندگی.

اصلا درسته یا درست نیست؟ چه ایراداتی بهش وارده؟ اصلا افرادی که جذب رو قبول دارن، چه نوع زندگی‌ای دارن؟

5) آیا قانون جذب واقعیت دارد؟

دوستان عزیز من. برای رسیدن به جواب این سؤال دو روش وجود داره. یک روش اینه که بریم و تحقیق علمی و دقیق انجام بدیم. همه جوانبش رو بررسی کنیم. بعد، بدون تعصب یک دیدگاه علمی ارائه بدیم.

یک راه دیگه هم وجود داره و اون اینه که اول، قانون جذب رو باور کنیم، به خودمون بقبولونیم، و خودمون رو بکشیم تا براش دلیل بتراشیم و دیگران رو قانع کنیم که دیدگاه ما درست بوده. از طرفندهای قانع سازی مخاطب و نقاط کور تفکرش استفاده کنیم، تا اون رو به اشتباه بندازیم و نسبت به حرف ما قانع بشه.

شما باید مشخص کنید مسیر رو برای درک واقعی یا غیر واقعی بودن جذب می‌خواهید ادامه بدید.

اگر روش شما، روش دومه، قطعا این مقاله به کار شما نیاید. چون روش ما، روش علمی و روش تفکره. نه روش توهم و باورهای غیر واقعی.

چرا این حرف رو زدم؟

دلیلش واضحه. چون اکثر کسانی که در این باره با من بحث می‌کنن، از دسته دوم هستن. تفکر بسیار ضعیفی دارن و با سفسطه و دلایل وهمی، دنبال اثبات دیدگاه خودشون هستن. یعنی اصلا براشون مهم نیست که واقعیت چیه. فقط و فقط دنبال این هستن که به خودشون بقبولونن که باور درست و خوبی دارن.

البته زود قضاوت نکنید. در انتهای این مقاله، دیدگاه درست و کاربردی قانون جذب رو برای شما ارائه می‌کنم تا به شکل درست و واقعی به خواسته‌های ارزشمند دست پیدا کنید. دقت کنید که گفتم خواسته‌های ارزشمند و نه هر خواسته‌ای. هر چند که رسیدن به خواسته‌های غیر ارزشمند هم شدنی و راه خودش رو داره. ولی خب من تنها به روش یک انسان هوشمند عمل می‌کنم و دنبال خواسته‌های غیر ارزشمند نمیرم.

بریم سراغ نقد علمی و دقیق قانون جذب با توجه به تعریف‌هایی که تا الان گفته شد. قانون جذب با تعریف‌های دیگه، قطعا نقد متفاوتی خواهد داشت. پس دقت کنید که الان فقط با توجه به دو تعریف گفته شده می‌خواهیم این قانون رو نقد کنیم. البته همین دو نگاه به جذب، بیشترین طرفدار رو داره.

6) نقد تعریف اول: به هر چیزی که بهش فکر بکنی، همون رو جذب می‌کنی.

اولین سؤالی که مطرح میشه اینه که: دقیقا چه شواهدی برای این ادعا وجود داره.

اگر دقت کنید اینجا یک ادعا اتفاق افتاده. قطعا شما از من قبول نمی‌کنید که ادعایی بکنم و هیچ مدرک و دلیلی براش ارائه ندم! درسته؟

ولی نکته خنده دار اینه که بسیاری از طرفداران جذب، بدون هیچ دلیل و مدرکی این ادعا رو قبول کردن! و وقتی باهاشون بحث می‌کنیم، متوجه میشیم که چون فلانی این حرف رو زده، ما هم قبول کردیم!.

خطاب به این افراد میگم: شما ادعای من رو بدون دلیل و مدرک قبول نمی‌کنید، ولی چطوره که ادعاهای دیگران رو بدون دلیل و مدرک قبول می‌کنید؟

می‌دونید مشکل کجاست؟ این افراد به خاطر ضعف در تفکر، وقتی توی جوّیه چیزی قرار می‌گیرن، سریع اون رو قبول می‌کنن. چون از چند ترفند قانع سازی استفاده شده که نسبت بهش آگاه نیستن. ترفند تأیید جمعی، ترفند تأیید مخاطب، ترفند فروش آرزو.

اینکه هر کدوم از این ترفندها چی هستن، بماند برای کارگاه‌های تفکر. به عنوان یک انسان هوشمند، لازمه تا تمام ترفندهای فکری رو بلد باشید تا کسی با استفاده از اونها، از شما سو استفاده نکنه.

خب حالا من دوباره سؤالم رو مطرح می‌کنم. چه شواهد علمی و دقیقی برای تأیید این مطلب وجود داره که:

اگر به چیزی فکر کنیم، در حال جذب کردن اون هستیم؟

اگر بخواهیم مسیر علمی برای اثبات این ادعا رو پیش بگیریم، تنها یک راه داریم. دقت کنید که دنبال این هستیم که به روش علمی به درست بودن این مطلب برسیم. بدون هیچ تعصبی.

روشش خیلی ساده است.

یک وسیله رو انتخاب کنید و در گوشه‌ای از اتاقتون قرار بدید. بعد به گوشه بشینید و بهش فکر کنید. ساعتتون رو تنظیم کنید و ببینید که چقدر زمان می‌بره تا اون شیء به سمت شما بیاد و در دستان شما قرار بگیره.

اصلا شوخی نمی‌کنم. این تمرین رو به صورت بسیار جدی مطرح کردم. اگر به دنبال اثبات علمی یک مسأله هستیم، باید از روش عملی استفاده کنیم. روش علمی دو صورت داره. یا تفکر و یا تجربه. تفکر که کلا استفاده نمیشه و براش الگوی خاصی تعریف نشده که بتونیم اینجا استفاده کنیم. (البته در مهندسی فکر این کار رو انجام می‌دیم و قبل از دیگران به این الگو دست پیدا کردیم) راه دوم، راه تجربه است. راه تجربه یعنی همین آزمایشی که گفتم.

اگر از این آزمایش خندتون گرفته یا دارید زیر لب، منو مسخره می‌کنید، در واقع دارید تنها و تنها قانون جذب (با توجه به تعریف گفته شده) رو زیر سؤال می‌برید.

در همین لحظه بعضی از مدعیان جذب میان می‌گن، کی گفته فقط باید فکر کنی؟ باید عمل و اقدام هم در ادامه فکر کردن بیاد!

درست همین‌جاست که مدعیان جذب، دست خودشون را رو می‌کنن. یعنی از ادعای اول دست می‌کشن و ادعاشون رو تغییر می‌دن. می‌گن ما که نگفتیم فکر کردن خالی باعث جذب میشه. اصلا جذب بدون اقدام معنی نداره.

خب، باز هم خوبه. یک قدم اومدیم جلو.

بیاید این دیدگاه رو نقد کنیم.

ادعای جدید به این شکل در اومد:

اول باید به یه چیزی فکر بکنید و بعدش هم براش اقدام بکنید تا بهش برسید.

این ادعا عاقلانه‌تر به نظر میاد.

ولی صبر کنید. ادمای زرنگ همین‌جا، مچ مدعیان رو می‌گیرن.

در این ادعا دقیقا چه اتفاقی افتاده؟ بیایید اون رو به صورت علمی کالبد شکافی بکنیم.

در این ادعا برای رسیدن به نتیجه، باید دو کار انجام بدید.

اول باید به اون چیز فکر کنید.

دوم اینکه باید براش اقدام کنید.

در صورت انجام این دو تا کار، اتفاقی که می‌خواهید به وجود میاد. یعنی به اون چیز دست پیدا می‌کنید.

با توجه به این ادعا، اگر یکی از دو کاری که باید انجام بدید رو انجام ندید، نتیجه‌ای هم نباید به وجود بیاد.

یعنی اگر فکر نکنید ولی اقدامی انجام بدید، نباید به اون چیز برسید. مثلا هیچ وقت نباید بتونید اون کتاب رو بردارید!!!!

آیا چنین چیزی درسته؟

مشخصه که درست نیست. شما می‌تونید بدون اینکه به اون کتاب فکر کنید و سعی در جذب کتاب داشته باشید، تنها اقدام انجام بدید و کتاب رو بردارید.

یک مثال دیگه هم اینه که شما در یک مسیر مشغول قدم زدن هستید و فکرتون مشغول چیز دیگه‌ایه. یه دفعی توی یه چاله می‌افتید. خب در این حالت که اصلا به اون چاله فکر نکردید. اصلا هم ترسی از افتادن در چاله نداشتید. ولی چون اقدام شما در این مسیر بوده، این اتفاق هم برای شما افتاده.

پس دیگه جذب کردن به وسیله تفکر اینجا چه معنی‌ای داره؟ وقتی که شما می‌تونید بدون فکر کردن به چیزی و بدون تلاش فکری برای جذب اون، تنها با اقدام کردن بهش برسید!!!

و این چیزیه که هر روزه داره اتفاق می‌افته. شما نون اقداماتتون رو می‌خورید نه نون افکارتون که به سمت اشیا می‌فرستید! (تازه اگر حتی قبول کنیم چنین ایده‌ای درسته. یعنی فرستادن فکر به سمت اشیا!!!)

مدعیان جذب به این روش، می‌گن اول بهش فکر کنید و افکار مثبت به سمت اشیا بفرستید، بعدش براش اقدام کنید بعد نتیجه می‌گیرید. احتمالاً هم نتیجه می‌گیرید. چون دارید اقدام می‌کنید. وقتی نتیجه گرفتید به شما می‌گن: دیدید قانون جذب درست می‌گه؟!

و به همین سادگی از جهل شما در تجزیه و تحلیل و نقد ایده‌های خودتون استفاده می‌کنن و شما ناخودآگاه قانع میشوید که دارن درست می‌گن.

و به این ترتیب، زندگی شما در یک مسیر پر از تیغ‌ها و سنگ‌ریزه‌های خطرناک قرار می‌گیره. چرا؟ چون استارت اشتباهات فکری در ذهن شما زده شده. به این ترتیب، اشتباهات بسیار زیاد دیگری قطعاً برای شما به وجود خواهد آمد. چون تفکر اشتباهی در شما شکل گرفته. البته ممکنه تا زمان زیادی حس نکنید که مسیر اشتباهی رو پی گرفتید.

این هم از آزمایشی که قانون جذب ازش سربلند بیرون نیامد.

خلاصه این قسمت اینه که شما نتیجه اقداماتون رو می‌بینید و نه نتیجه افکار و ارتعاشاتی که به سمت چیزهای مختلف ارسال می‌کنید.

ولی کسانی که جذب می‌فروشن، از این خلأ فکری شما استفاده می‌کنن تا شما رو قانع کنن که باید قوانین قانون جذب رو در دوره‌هاشون یاد بگیرید.

و برای اینکه حتماً نتیجه بگیرید، به شما اقداماتی رو یاد میدن که هیچ ارتباطی به قانون جذب نداره. و از این راه هم شما به خواسته‌تون می‌رسید و هم اون‌ها. کاری به این قسمت ندارم که کار درستی یا نه. اصل بحث ما

اینه که آیا از راه قانون جذب به نتیجه رسیدید یا نه. و با توجه به مسائلی که گفته شد، ثابت کردیم که چنین ادعایی صحت نداره.

(7) نقد دوم: زمان رسیدن به خواسته

اگر دقت کنید، در آزمایش‌های علمی، زمان یکی از مهم‌ترین فاکتورهاست. یعنی شما اگر اقدام خاصی رو انجام بدید، در زمان خاصی به نتیجه خاصی می‌رسید. ولی مدعیان جذب نمی‌تونن هیچ زمان مشخصی برای رسیدن به خواسته‌تون مشخص کنن.

چرا نمی‌تونن؟ واضحه. چون ادعاشون هیچ پایه و اساسی نداره.

در مورد زمان رسیدن به خواسته‌ها می‌گن، خواسته شما در زمان و مکان خودش به دستتون می‌رسه. اصلا هم معلوم نیست زمان و مکانش، کی و کجاست!

خب عزیزم این که نشد دلیل علمی.

وقتی چیزی قانونه، همه این جزئیاتش هم باید مشخص باشه. مثلا در فیزیک و شیمی و علوم دیگه، هر عمل و عکس‌العملی، زمان مشخصی داره. و بر اساس زمان هر عکس‌العمل، نتایج علمی شکل گرفته.

با این حساب شما باید بشینید و کلی ارتعاش ارسال کنید، اصلا هم معلوم نیست کی قراره بهش برسید. البته راه‌های دیگه وجود داره که زمان رسیدن رو خیلی دقیق‌تر مشخص می‌کنه و می‌تونید از اون راه‌ها استفاده کنید. البته این سطح پایین‌ترین نقدی بود که به این دیدگاه میشد وارد کرد. نقدهای بسیار مهم‌تر و عمیق‌تری وجود داره از جمله از بین رفتن قدرت ذهن شما که در ادامه درباره‌اش صحبت می‌کنم.

8) یک داستان که برای خودم اتفاق افتاد.

با یکی از مدعیان قانون جذب داشتم بحث می‌کردم. گفتم اگر جذب درست باشه، بدون اقدام هم باید به خواسته‌تون برسید.

سریع گفت که البته همینطوره. استاد فلانی که جذب رو تدریس می‌کنن، همین ادعا رو دارن. یعنی میگن که با فکر کردن خالی، می‌تونید به خواسته‌تون برسید. البته ایشون هم خودشون از شاگردان استاد فلانی بودن که الان من اسم نمی‌برم.

ولی خیلی جالبه که همین استاد فلانی هیچ وقت خودش نرفته بشینه یه گوشه و با فکر کردن ثروتش رو به دست بیاره. ایشون از راه کلاس‌های میلیونی، به ثروتش رسیده. کلاس‌های حرفه‌ای ایشون، حدود بیست میلیون تومن هزینه‌اشه.

من تعجب می‌کنم از استادی که می‌تونه با فکر کردن، و بدون اقدام، ثروت رو جذب بکنه ولی این همه از شاگرداش پول می‌گیره و هیچ منبع درآمد دیگه‌ای هم نداره!

عملکرد ایشون، ثابت می‌کنه که خودش هم به چنین حرفی اعتقاد نداره. در غیر این صورت می‌تونست همین کلاس‌های میلیونی رو رایگان برگزار کنه و با توجه به شهرتی که داره، قطعا آدم‌های بیشتری از کلاس‌هاشون استفاده می‌کردن.

یه وقت هست که بعضی‌ها ما رو احمق فرض می‌کنن و یه وقت هم هست که ما بهشون چنین اجازه‌ای می‌دیم. اشکالی نداره که اون‌ها ما رو احمق فرض کنن. ولی حداقل ما نباید طوری فکر کنیم که اون‌ها به خواسته‌هاشون برسن.

9) نقد سوم: کشتن قدرت ذهن و تفکر شما با تلقین و باور

قانون جذب با تعریف‌هایی که گفته شده بر پایه دو تا تکنیک بسیار مهمه. تکنیک اول، تکنیک تلقین و تکنیک دوم، تکنیک باور کردن.

این دو تا تکنیک چه بلایی بر سر شما و ذهنتون میاره؟ فکر نکنم که بدونید! یه سؤال: کی آدم به خودش یه چیزی رو تلقین می‌کنه؟ مثلا شما همیشه اسمتون رو به خودتون تلقین می‌کنید؟ روزی دویست بار اسمتون رو تکرار می‌کنید؟ قطعا نه. این کار بسیار خنده‌داره.

خب چرا این کار رو نمی‌کنید؟ دلیلش اینه که شما نسبت به اسمتون به آگاهی کامل رسیدید. نیازی ندارید که به خودتون تلقین کنید.

همین نکته کافیه تا شما درک کنید که تلقین چه بلایی بر سر آگاهی شما میاره.

از طرفی دیگه، تلقین کردن یعنی پریدن از روی مسیر آگاهی. نمی‌تونم بگم که اگر مسیر آگاهی رو نرید چه بلایی بر سر شما خواهد آمد! این بزرگ‌ترین جنایتیه که مدعیان جذب در حق شما انجام میدن و شما هم متوجه نیستید.

داستان آگاهی خیلی طولانیه و حتما باید در این زمینه به اندازه کافی تحقیق و مطالعه داشته باشید.

کتاب بازسازی ذهن هوشمند هم می‌تونه به شما برای این موضوع کمک کنه. روش دریافت این کتاب در وبسایت مهندسی فکر وجود داره.

ولی به طور خلاصه توضیح می‌دم.

شما برای رسیدن به نتایج خوب در زندگی نیاز به پیمودن مسیرهای صحیح و خوب دارید.

پس اولین چیزی که باید بهش برسید، مسیرهای خوبه.

خب چطور باید این مسیرهای خوب رو به دست بیاریم؟
راهش تفکر صحیحه.

تفکر صحیح منجر به رسیدن شما به آگاهی میشه. و شما از این آگاهی صحیح در پیمودن مسیر صحیح استفاده می‌کنید تا اینکه بعد از پیمودن مسیر، به هدف و نتیجه مطلوب می‌رسید.

خب حالا اگر به آگاهی نرسید چی می‌شه؟

قطعا مسیرهای خوب رو هم نمی‌تونید پیدا کنید. حتی اگر دیگران بعضی از این مسیرها رو به شما نشون بدن، باز هم شما قدرت دیدن همه مسیرهای مناسب رو نخواهید داشت.

خب چطور باید به آگاهی برسیم؟

تنها راه رسیدن به آگاهی، پیمودن مسیر تفکره.

حالا با تلقین چه اتفاقی می‌افته؟ شما به جای اینکه مسیر تفکر رو پیش برید، مستقیما می‌پرید روی نتیجه‌گیری.

خب از کجا معلوم نتیجه‌گیری شما درست باشه؟ فقط تنها وقتی میشه چنین نتیجه‌گیری کرد که شما بدونید مسیر تفکر رو چطور رفتید. ولی در تلقین عملا مسیر تفکری وجود نداره.

با این حساب شما، تفکر خودتون رو کشتید و از بین بردید. و همیشه به جای اینکه به دنبال رسیدن به آگاهی باشید، دنبال این خواهید بود تا از راه تلقین به نتیجه برسید.

خب حالا سؤال من از شما اینه که: دقیقا چه اتفاقی برای شما افتاده؟

آیا خودتون متوجه هستید چه بلایی بر سر خودتون آوردید؟

شما رشد خودتون رو به عنوان یک انسان متوقف کردید؟ چرا؟ چون تفکر خودتون رو از بین بردید و انسانیت شما وابسته به قدرت تفکر شماست. بدون تفکر، با هیچ موجود دیگه‌ای فرقی نداریم. فقط شکلمون فرق می‌کنه. و در یک جمله می‌تونم بگم که:

با رفتن مسیر تلقین، شما هوشمندی و ذهن هوشمند خودتون رو نابود می‌کنید.

و این چیزیه که حتی در نظام آموزشی به خورد شما داده شده. تلقین و تلقین و تلقین.

فقط نتیجه‌ها به شما داده میشه و هیچ تفکری در شما رشد نمی‌کنه.

10) روش باور چه مشکلی برای هوشمندی شما به وجود میاره؟

تکنیک بعدی که قانون جذب بر روی اون سواره، قانون باور کردنه. قانون جذب می‌گه وقتی که شما یک چیزی رو باور کنید، بهش می‌رسید.

خب این روش چه مشکلی برای هوشمندی شما به وجود میاره.

این روش از باور کردن، دوباره همون مشکل تلقین رو به وجود میاره. در واقع این دو روش بسیار نزدیک به هم هستن.

شما باید به آگاهی برسید و نیازی به باور کردن ندارید. اصلا باورهای شما باید از مسیر آگاهی بگذره. در حالی که در روش جذب، باور شما از راه تلقین قراره شکل بگیره.

با توجه به مسیر هوشمندی، باورها در انتهای مسیر آگاهی قرار می‌گیرن.

ولی در قانون جذب گفته میشه که شما اگر باور نداشته باشید، بهش نمی‌رسید.

خب اگر باور ما غلط باشه چی؟ اگر باور ما توهمی باشه چی؟ اگر اصلا باور ما ارزشمند نباشه چی؟

هیچ کدوم از این حرفا به شما زده نمیشه.

فقط به شما گفته میشه که باید به خودباوری برسید. شما می‌تونید. باید باور کنید که می‌تونید.

خب اگر واقعیت این بود که شما نمی‌تونید و به خودتون فشار نادرستی وارد کردید و برای شما مشکلی به وجود اومد چی؟ کی پاسخگوست؟ مگر واقعیت منتظر باورهای شماست تا بر اساس اون تغییر کنه؟

این شما هستید که باید باورهای خودتون رو بر اساس واقعیت تغییر بدید. واقعیت‌ها، با تغییر باور شما تغییر نمی‌کنن. فقط نگاه شما نسبت به اون‌ها تغییر کرده و هر نگاه نادرستی نسبت به واقعیت، منجر به عکس العمل نادرست شما میشه. اینطوری فقط شما ضرر می‌کنید.

11) اصلا در زندگی به چی باید برسید؟ مگر رسیدن به هر خواسته-ای برای ما خوبه؟

یک نکته خیلی مهم در زندگی اینه که اصلا باید مشخص کنیم که دنبال چی باید باشیم؟

اصلا داریم خواسته‌هامون رو درست انتخاب می‌کنیم یا نه؟

مگر رسیدن به هر خواسته‌ای برای ما مفیده؟

فرض کنیم بعد از بیست سال به ثروت زیادی هم رسیدیم. خب بعدش چی؟

اگر شما فکر می‌کنید با پول به قله‌های خوشبختی و رضایت‌مندی می‌رسید باید بگم که سخت در اشتباهید. چون رشد جیب شما، به معنی رشد خود شما نیست.

در واقع جیب شما به خوشبختی رسیده و نه خود شما. مدتی در اختیارتونه و بعدش هم از بین خواهد رفت. با اون پول نهایتا رفاهی برای خودتون خواهید ساخت، می‌خورید و می‌خواهید و لذت‌های کوتاه مدت و لحظه‌ای می‌برید. ولی دیگه چیزی فرای اینها نیست. پتانسیل‌های شما سرکوب خواهد شد و بعد از مدتی وقتی به خودتون نگاه می‌کنید، متوجه میشوید که دستتون خالیه. چون خودتون خالی موندید. چون از درون پر نشدید. چون شخصیت‌تون در سطح یک شخصیت مکانیکی روزمره باقی مونده. در واقع میشه گفت که یک دیواری بودید که تنها کمی از دیوار بودن خودش لذت برده. نهایتش همینه.

اگر سطح تفکر شما در همین حده، باید بگم که شما خودتون رو نشناختید و از پتانسیل‌های خودتون هیچ اطلاعی ندارید. وقتی خودتون رو شناسید، وقتتون رو جاهای اشتباه صرف می‌کنید.

الآن هم یک مشکل بزرگی که وجود داره اینه که مردم زندگی رو فقط در کارشون می‌بینن و خودشون رو فراموش کردن. رشد کسب و کار شما هم به معنی رشد خود شما نیست.

اگر خودتون رشد نکنید، فقط و فقط باختید. و تمام هیچ جای بحثی نداره.

پس اول شما باید خواسته‌های درستی برای خودتون مشخص کنید. خواسته‌های خوب شرایط خاصی دارن. شما باید این خواسته‌های خوب رو بشناسید و قبلش باید خودتون رو بشناسید. بدون شناخت صحیح از خودتون، هر چیزی هم که به دست بیارید، بی ارزش خواهد بود. و این نکته‌ایه که هیچ کسی احتمالا به شما نخواهد گفت.

12) بعد از اینکه خواسته‌های خوب رو کشف کردیم باید چکار کنیم؟

برای رسیدن به خواسته‌های خوب باید روش‌ها و مسیرهای درست رسیدن به اون‌ها رو کشف کنید. قرار نیست از هر مسیری به خواسته‌های خوب برسید. چون مسیر شما قسمتی از شماست. قسمتی از شخصیت شماست و مسیر شما در واقع قسمتی از خواسته شماست.

13) چی بخواهیم و چطور بهش برسیم؟

به عنوان یک پژوهشگر که در بسیاری از علوم تخصص داره، به این نتیجه رسیدم که انسان فقط و فقط باید به خواسته اساسی داشته باشه و اون هم رشد واقعی خودشه. باید شخصیتش رو رشد بده. و رشد شخصیت تنها از راه رشد ذهن امکان‌پذیره.

رشد ذهن هم تنها و تنها یک راه داره. اون هم رشد مسیر تفکر و آگاهی. مسیری که با تلقین و باور به روش قانون جذب، در وجود شما از بین خواهد رفت.

برای شناخت بیشتر خودتون می‌تونید از کتاب بازسازی ذهن هوشمند استفاده کنید. در این کتاب با شخصیت مکانیکی و هوشمند آشنا می‌شید و وقتی شخصیت مکانیکی خودتون رو بشناسید، متوجه خواهید شد که چطور، روش‌های قانون جذب، ذهن هوشمند شما رو به قتل می‌رسونه و شخصیت مکانیکی شما رو بر شما مسلط می‌کنه!

نکته:

هر کاری که منجر به رشد ذهن هوشمند شما نشه، تنها و تنها شما رو بدبخت می‌کنه. دیگه انتخاب با خود شماست. به روش جذب شما نه رشد می‌کنید، نه قدرت‌های ذهنی شما افزایش پیدا می‌کنه، نه به آگاهی می‌رسید. و نه هیچ مهارت خاصی پیدا می‌کنید. تنها در توهمات جذبی خودتون اسیر خواهید شد که رها شدن از این توهمات سال‌ها زمان می‌بره. شاگردان زیادی دارم که در این گرداب اسیر بودن. بعضی‌ها زودتر رها شدن و بعضی‌ها دیرتر. این دیگه بستگی به قدرت تفکر و آگاهی هر فرد داره که چقدر زمان برای خروج از این باتلاق نیاز داشته باشه.

این ویدیو رو حتما ببینید:

<https://www.aparat.com/v/jzBek>

14) نقد رفتاری معتقدان به قانون جذب

یک روش دیگه برای درک اینکه قانون جذب، یک قانون غیر قابل اعتماد و توهمیه اینه که:

وقتی شما با یک جذبی صحبت می‌کنید، به جای بحث علمی، فقط با تعصب نسبت به دیدگاه‌های خودش با شما بحث می‌کنه. البته همه اینطور نیستن ولی اکثرا به همین شکل هستن. چرا؟

چون یک جذبی قدرت تفکر نداره که بخواد بحث علمی بکنه. چون روش تفکر یک جذبی، روش تلقینه. پس وقتی در مقابل شما قرار می‌گیره، فقط دوباره از همون روش تلقین می‌خواد استفاده بکنه. روش تلقین چیزی جز روش تعصب نیست.

البته دقت کنید که تلقین، اثرات جانبی و قابل مشاهده‌ای دارد. اینطور نیست که هیچ اثری نداشته باشد. ولی همین آثار نیاز به نقد دارد. خیلی از آثار تلقین مقطعی و خیلی افراد فکر می‌کنند که نتیجه گرفتن. دقیقا مثل یک مسکن کوتاه مدت. این دوباره برمی‌گردد به کوتاه بینی این افراد. چون نمی‌تونن بیشتر از چند قدم جلوی پای خودشون رو ببینن.

15 خلی‌ها می‌گن: به روش جذب به خیلی از خواسته‌هامون

رسیدیم

با بسیاری از دوستانی که به روش جذب زندگی و رفتار می‌کنن صحبت می‌کنم. بعضی‌هاشون می‌گن ما به خیلی از خواسته‌هامون رسیدیم. پس روش جذب درسته.

قبلا در این باره صحبت کردیم. شما اگر به خواسته‌ای رسیدید، نتیجه اقدامات شماست و نه نتیجه قانون جذب. شما چیزی رو جذب نکردید. اقدام درستی انجام دادید و نتیجه اون اقدام رو گرفتید.

ولی مهم‌تر از این مسأله اینه که شما هیچ رشدی نخواهید داشت. چرا که دیدگاه و تفکر شما، مانع رشد شما خواهد شد. چون نمی‌دونید که باید در تفکر خودتون رشد کنید و برای همین، هیچ تلاشی برای اون نمی‌کنید. برای همین به چند خواسته سطحی می‌رسید و بیشتر از اون اتفاقی برای شما نخواهد افتاد.

خب سؤال پیش میاد که چرا این افراد نمی‌تونن خودشون چنین تحلیلی از خودشون و مسیر زندگیشون داشته باشن؟

کسی که چشم بسته در مسیر زندگی خودش مشغول به حرکت، طبیعیه که هیچ چیزی نبینه و نتونه چیزی رو تحلیل کنه!

چطور این افراد چشم خودشون رو بستن؟ با کور کردن تفکر خودشون.

آدم‌ها از راه تفکر به بینش می‌رسن. حالا اگر شما تفکر خودت رو از بین ببری، قطعا بینش شما هم به مشکل می‌خوره. و در واقع نمی‌تونید چیزی رو درست ببینید و تحلیل کنید. در یک مسیر اشتباه پیش میرید و با خودتون فکر می‌کنید که ...

16) نقد دیدگاه ارتعاشی در قانون جذب

بعضیا میگن که دیگران بلد نیستن قانون جذب تدریس کنن. ما بلدیم. لزوما فکر کردن به چیزهای مثبت منجر به شکل‌گیری نتایج مثبت نمیشه. بلکه همه داستان در ارتعاشاتیه که شما به کائنات می‌فرستید و کائنات به خواسته شما پاسخ میده.

بریم سراغ نقد علمی این دیدگاه.

در اینکه مغز ما امواج خاصی به وجود میاره، جای بحث نیست.

مشکل از اونجا شروع میشه که ما بر خلاف قواعد فیزیک، ادعا بکنیم که ارتعاشات، همدیگرو جذب و دفع می‌کنن.

در فیزیک، ارتعاشات که منجر به شکل‌گیری امواج میشن، همدیگر رو تقویت یا تضعیف می‌کنن. ولی هیچ وقت همدیگر رو جذب یا دفع نمی‌کنن. کلا به هم کاری ندارن.

خب سؤال من اینه که شما از کجا چنین ادعایی مطرح کردید که ارتعاشات همدیگر رو جذب می‌کنن؟

تمام شواهد علمی، خلاف دیدگاه شما رو ثابت می‌کنه. با این حال برای بازار گرمی و استفاده از جهل مخاطب، باید به یک ایده عملی دست بندازن و ازش استفاده ابزاری بکنن.

به نظر شما این کار جنایت نیست؟

نقد بعدی به این دیدگاه حتی بیشتر مشخص می‌کند که مدعیان این روش، هیچ علمی ندارند و تنها با استفاده از واژه‌های قلمبه سلمبه به دنبال جذب مخاطب و فروش آرزو به اونها هستند.

البته این نقد خیلی تخصصیه و ممکنه خیلی‌ها به خاطر نداشتن دانش کافی نسبت به این موضوع اون رو درک نکنن.

این نقد مربوط به خود سیستم تفکر و اتفاقاتیه که در ذهن ما می‌افته. بیایید از یک مثال برای درک این مطلب استفاده کنیم.

فرض کنید که قراره با فکر کردن و ارسال یک ارتعاش به یک شیء خارجی، اونو به خودمون جذب کنیم.

وقتی که ما به اون شیء فکر می‌کنیم، در ذهن ما چه اتفاقی می‌افته؟ ما یک تصویر از اون شیء در ذهن خودمون ساختیم و به اون تصویر فکر می‌کنیم. خود شیء که در ذهن ما نیست. پس اگر فرض کنیم که داریم ارتعاشی می‌فرستیم، در واقع ارتعاش تصویر ذهنی ما از اون شیء است.

تصویر ذهنی ما و واقعیت‌های خارجی دو چیز هستن. یعنی تصویر ذهنی ما و واقعیت‌های خارجی دو موجود هستن که هیچ ارتباطی با هم ندارند. ما تنها تصویری از واقعیت خارجی دریافت کردیم و این تصویر در ذهن ما شکل گرفته. این تصویر از واقعیت خارجی، یک تصویر ناقصه. چون ما تصویر رو از زاویه خاصی در ذهنمون ثبت کردیم و هر واقعیت خارجی، بی‌نهایت جزئیات داره که ما ازش هیچی نمی‌دونیم. پس در واقع ما داریم به یک تصویر بسیار ناقص فکر می‌کنیم و اون تصویر ناقص رو جذب می‌کنیم. ارتعاشی هم که ارسال می‌کنیم، متناسب با تصویریه که در داخل ذهن ما شکل گرفته. این تصویر هیچ ارتباطی با واقعیت اون شیء نداره. پس عملاً ارتعاشات تصویر ذهنی ما و واقعیت اون شیء (اگر فرض کنیم ارتعاشی هم داره) یکی نیستن.

یعنی عملاً شما برای جذب یک تصویر ذهنی ارتعاش تولید می‌کنید و متناسب با ارتعاش تولیدی شما، هیچ واقعیت خارجی وجود ندارد. پس هیچ جذبی هم اتفاق نخواهد افتاد.

البته گفتم که این مسأله بسیار پیچیده است و هر کسی نمی‌تونه اون رو درک کنه. مگر اینکه با علوم ذهنی و شناختی آشنا باشه.

این هم نقد دوم به نظریه ارتعاش و جذب که به سادگی مشخص می‌کنه، مدعیان جذب، هیچ هنری ندارن و فقط به دنبال رسیدن به خواسته‌هاشون از راه فروختن آرزو به دیگران هستن.

مبحث فروختن آرزو یکی از پرفروش‌ترین اجناس موجود در بازاره. و اگر شما هم آرزو خریدید، باید بگم که شخصیت مکانیکی خودتون رو بر زندگی خودتون مسلط کردید. نمی‌تونید انتظار داشته باشید که به نتایج هوشمندانه برسید!

17) نقد کلی به قانون جذب با نگاه علمی محض

وقتی از جذب خواسته‌ها صحبت می‌کنیم، قاعدتاً هر خواسته‌ای ضمن این خواسته‌ها قرار می‌گیره. چه خواسته ثروت و سلامتی، چه خواسته هوشمندی و رسیدن به علم.

من برای شما یک تمرین ویژه دارم.

از شما می‌خوام که یک مسأله ریاضیات بسیار سخت رو جلوی خودتون قرار بدید. بدون اینکه تلاشی بکنید و به دانش ریاضیات دست پیدا کنید، سعی کنید تا با تلقین و باور و ارسال ارتعاش به کائنات، این مسأله ریاضی رو حل کنید. لطفاً از راه دیگه‌ای برای رسیدن به جواب مسأله استفاده نکنید!

خوشحال میشم تا نتیجه این تمرین رو با من در میون بگذارید.

خیلی از شماها مطمئن هستید که از این راه هیچ وقت نمی‌تونید راه حل سؤال مورد نظر رو کشف کنید. حالا اونی که فکر می‌کنه میشه، حتما بره و انجام بده.

این مثال ساده مشخص می‌کنه که فروشندگان جذب، در واقع از خلأ فکری و احساسی شما برای رسیدن به ثروت برای خودشون سو استفاده می‌کنن. در واقع به فروش جذب، شما رو به خودشون جذب کردن. همین افراد برای تبلیغ دوره‌های خودشون به هزاران مدل تبلیغات روی میارن. نمی‌دونم چرا نمی‌رن و بشینن و بدون تبلیغات به جذب دیگران پردازن.

اگر هم ادعا می‌کنید که جذب بدون اقدام معنی نداره، قبلا درباره‌اش صحبت کردیم. اگر جذب بدون اقدام معنی نداره، شواهد بسیار زیادی وجود داره که اقدام بدون جذب هم نتیجه میده. و این نشون میده که جذب، تنها یک توهمه.

18 سؤال: پس چرا وقتی به چیزی فکر می‌کنیم، اون رو بیشتر در زندگی می‌بینیم یا حس می‌کنیم؟ آیا معنیش این نیست که ما اون رو جذب کردیم؟

سؤال بسیار خوبیه و من هم دوست دارم جواب این سؤال رو با شما در میون بگذارم. رفتارها و احساسات شما قطعا از تفکر شما سرچشمه می‌گیره. قانونی که در زندگی وجود داره، قانون توجهه و نه قانون جذب. معنیش چیه؟

وقتی شما نسبت به چیزی توجه دارید، اون چیز رو قطعا بیشتر می‌بینید. نه اینکه اون رو جذب کردید. یعنی از ابتدا وجود داشته و جلوی شما بوده. شما تنها توجهی بهش نداشتید. وقتی تفکر و توجهتون رو نسبت به مسائل تغییر می‌دید، این باعث میشه تا اون مسأله رو بیش از پیش ببینید. انگار که نبوده و الان برای شما شکل گرفته. ولی واقعیت اینه که وجود داشته و جلو شما بوده. فقط شما اون رو ندیدید چون بهش دقت نداشتید.

مثلا کسی که منفی نگره، قطعا تمرکزش روی مسائل منفیه. و دنبال این هست که مسائل منفی رو ببینه. پس از بین تمام مسائل موجود، می‌گرده و

مسائل منفی رو پیدا می‌کنه. همین شخص، هزاران مسأله مثبت هم داره که توجهی بهشون نداره.

و کسی که نگاه مثبت به مسائل داره، زاویه دید خودش رو نسبت به مسائل به شکل خاصی تنظیم کرده که فقط مسائل مثبت رو درک می‌کنه. ولی منفی‌ها از بین نرفتن و سر جای خودشون هستن.

حالا اگر کسی بیاد و ادعا کنه که شما با توجه به دید مثبت یا منفی، مثبت و منفی رو جذب کردید، این یک ادعای بی پایه و اساس و برای بازارگرمی کار خودشه. قبلا در این مورد کامل توضیح داده شد.

فراموش نکنید که دیدگاه‌های غلط، تنها و تنها کشنده ذهن و قدرت‌های ذهنی شماست. سرمایه اصلی شما هم همین قدرت‌های ذهنی هستن. حالا اگر دوست دارید این سرمایه‌ها رو از دست بدید، به تلقین و باور پناه ببرید.

19) قانون تفکر به جای قانون جذب

اگر بخواهیم نگاه دقیق‌تری نسبت به اتفاقاتی که در قانون جذب و تفکر ما می‌افتد، داشته باشیم، باید تفکر رو بشناسیم.

اون چیزی که در واقع داره اتفاق می‌افته اینه که ما بر اساس دیدگاه‌های خودمون رفتار می‌کنیم.

یعنی عملکرد ما وابسته به دیدگاه‌های ماست. طبیعیه که با تغییر دیدگاه‌ها، رفتار ما هم تغییر کنه. بر اساس تغییر رفتار که به نتیجه خاصی می‌رسیم. به این روش نتیجه می‌گیریم که تغییر دیدگاه منجر به تغییر نتایج شد. ولی اصلا به این توجه نداریم که تغییر دیدگاه، مستقیما منجر به تغییر نتایج همیشه (مگر نتایج خاصی از جمله احساسات). بلکه رفتار و عملکرد ماست که نتایج رو برای ما به ارمغان میاره. قبلا درباره این نکته صحبت کردیم.

حالا اگر بر اساس قانون جذب اومدیم و بعضی دیدگاه‌های جدید رو به خودمون قبولوندیم و بر اساسش رفتار کردیم، اونوقت به نتایج جدیدی هم

خواهیم رسید. پس اون چیزی که داره واقعا اتفاق می‌افته، یک تغییر دیدگاه ناقص و یک عملکرد ناقصه که نتیجه خاصی رو به همراه داره.

از این قانون بسیار بهتر میشه دفاع کرد. ولی نکته اینه که هیچ جذبی اتفاق نیفتاده بلکه ما بر اساس رفتار خودمون به سمت چیزهای دیگه حرکت کردیم.

یعنی واقعیت، برعکس قانون جذبه. چیزی به سمت شما جذب نمیشه. این شما هستید که به سمت خواسته‌های خودتون حرکت می‌کنید.

20) تلقین بر روی جسم تأثیر داره ولی این تأثیر لزوماً تأثیر مثبتی نیست. اثرات تلقین لحظه‌ایه!

چند نفر از افرادی که در دوره‌های جذب شرکت کردن به من گفتن که ما نمونه‌های فراوانی دیدیم که تونستن سلامتی رو جذب کنن. روش جذب سلامتی چطور بوده؟ اینطور بوده که هر روز، باید جملات خاصی رو به فرد مریض تلقین می‌کردن و بعد از مدتی هم این فرد مریض بهبود پیدا کرده.

بعد میگن این نشون میده که قانون جذب درسته!

این مال وقتی که شما هیچ اطلاعی از عملکرد مغز و شخصیت مکانیکی خودتون ندارید. طبیعیه که نتیجه‌گیری شما هم ناقص باشه.

مغز انسان ویژگی‌های خیلی خاصی داره. یکی از این ویژگی‌ها، قدرت تحلیل بسیار پایین و تأثیر پذیری سریعه.

مغز انسان یک هدف بیشتر نداره و اون هم تضمین بقای جسمه. برای همین، حالت‌های تدافعی خاصی به خودش می‌گیره. یکی از این حالت‌های تدافعی، واکنش نشون دادن نسبت به اطلاعات خارجی بدون تحلیله. یعنی مغز بر اساس عملکرد طبیعی خودش، همه چیز رو با بقا میسنجه و حتی این سنجش می‌تونه اشتباه باشه. نتیجه این سنجش، ایجاد رفتار خاصیه.

در مورد تلقین، مغز انسان عملکرد خاصی داره. از اونجا که تلقین، یک ورودی اطلاعاتیه، مغز اون رو به عنوان اطلاعات جدید می‌پذیره و بر اساس اون، عملکرد خودش رو تنظیم می‌کنه.

این اطلاعات ورودی ممکنه درست یا نادرست باشه. ولی مغز، چون به شکل خودکار، قدرت تحلیل پایینی داره، همون اطلاعات ورودی رو می‌پذیره. این یکی از ویژگی‌های افراد مکانیکیه.

وقتی مغز این اطلاعات رو پذیرفت، هورمون‌های جدیدی ترشح می‌کنه و رفتار متفاوتی از خودش بروز میده. یا ترس و حالت دفاعی تولید می‌کنه یا اعتماد به نفس و حالت تهاجمی.

طبیعیه که در این صورت، تغییرات خاصی در بدن پیدا بشه. این تغییرات هم می‌تونه مثبت باشه و هم منفی.

یعنی اگر مغز شما اطلاعات نادرستی دریافت کنه و بر اساس اون اطلاعات نادرست، رفتار نادرستی از خودش نشون بده، شما تحلیلتون این خواهد بود که:

از این تلقین‌ها جواب گرفتید، در حالی که با این تلقین، بدن خودتون رو در معرض خطرات بسیار بیشتری قرار دادید.

البته حالت‌های کمی هم وجود داره که این تلقین می‌تونه مفید باشه. ولی فایده‌اش بسیار سطحی و کمه.

21) جایگزین تلقین چیه؟

خیلی‌ها می‌پرسن:

خب اگر تلقین نکنیم پس چطور تغییرات مثبت رو به وجود بیاریم.

قبلا هم گفتم، بهترین راه ایجاد تغییرات درست و مفید و ارزشمند، عملکرد صحیح بر اساس بینش صحیحه.

همیشه مسیر آگاهی و تفکر، بالاتر از مسیر جهل و تلقین و باور کردن بی پایه و اساسه. پس مطمئن باشید اگر از مسیر درست هر چیزی وارد بشید، به بهترین شکل به نتیجه می‌رسید.

یعنی نگران این نباشید که بدون تلقین، سلاحی ندارید. بلکه مسیر آگاهی همیشه برای شما کارگشا خواهد بود. در مورد مسائل جسمی هم همینطور.

با روش‌های درست تفکر و شناخت جسمتون، می‌تونید تغییرات بسیار قوی-تر و بهتری در جسم ایجاد کنید و در این باره در کارگاه‌های بازسازی ذهن هوشمند کامل صحبت می‌کنیم.

برای دریافت کتاب بازسازی ذهن هوشمند به وبسایت مهندسی فکر استاد حکیم مراجعه کنید.

22) آیا قانون جذب حالت درستی هم می‌تونه داشته باشه؟

اگر تا به اینجای مقاله همراه من بودید، برای شما یک هدیه ویژه دارم. اگر به دنبال کشف حقیقت و رشد واقعی هستید و تعصب رو کنار گذاشتید، می‌خوام روش صحیح جذب رو بهتون بگم.

ممکنه بپرسید که بعد از تمام نقدهایی که به جذب وارد کردید، مگر حالت درستی هم می‌تونه وجود داشته باشه.

بله!

یک حالت درست از جذب وجود داره که از همون قاعده جاذبه در فیزیک استفاده می‌کنه.

یکی از رشته‌هایی که کار کردم فیزیکه و این باعث میشه تا درک متفاوتی از مسائل فیزیکی داشته باشم و بتونیم این مطالب رو به زندگی واقعی ربط بدم.

23) قانون جاذبه در فیزیک چی میگه؟

قانون جاذبه در فیزیک به این شکل هست که:

هر جسمی که جرم بیشتری داشته باشه، قدرت جاذبه‌اش هم بیشتره. و هر چی جاذبه بیشتر باشه، میزان تأثیر گذاری اون جسم بر روی اجسام اطراف بیشتر خواهد بود.

خب حالا این چه ربطی به قانون جذب و زندگی داره؟

ربطش اینه که هر چی جرم شما بیشتر باشه، چیزهای بیشتری رو به سمت خودتون جذب می‌کنید. از جمله ثروت و روابط عالی.

البته منظورم از جرم، جرم جسم شما نیست. بلکه جرم شخصیتی شماست.

یعنی هرچی شخصیت شما از داخل، پُرتر و سنگین‌تر باشه، جرم شخصیتی شما هم بیشتره. و این باعث میشه تا چیزهایی که دوست دارید، راحت‌تر به دست بیارید.

24) چطور جرم شخصیتی خودمون رو افزایش بدیم؟

برای افزایش جرم شخصیتی، باید اقدامات خاصی انجام بدید. اول از همه باید شخصیت خودتون رو بشناسید و ببینید شخصیت فعلی شما چه شخصیتیته. بعد باید ببینید چه چیزهایی شخصیت شما رو رشد میده.

باید مهارت کسب کنید. باید قدرت‌های ذهنی خودتون رو افزایش بدید. از همه مهم‌تر، قدرت تفکر شماست که مشخص می‌کنه، از چه موقعیتی چطور استفاده کنید. هر چی قدرت تفکر شما بیشتر باشه، قدرت استفاده شما از فرصت‌های موجود بیشتره.

و بعد از مدتی که جرم شخصیتی شما افزایش پیدا کرد، خواهید دید که چطور همه چیز در زندگی راحت شده، هیچ مشکلی نمی‌تونه شما رو درگیر

کنه، بزرگ‌ترین مسائل به راحتی حل میشن و راحتی شما در زندگی با زندگی گذشتون اصلا قابل مقایسه نخواهد بود.

ولی این یک توضیح بسیار سریع برای رشد جرم شخصیتی بود.

برای اطلاعات بیشتر و کامل‌تر، باید از بازسازی ذهن هوشمند خودتون شروع کنید که به صورت یک کتاب آماده شده و قطعا می‌تونید استفاده‌های زیادی از اون ببرید. به وب سایت مهندسی فکر مراجعه کنید.

در پایان این مقاله، هر سؤالی داشتید، حتما با من در میون بگذارید. ولی خواهش من از شما اینه که محدودیت‌ها و تعصب‌های ذهنی‌تون رو کنار بگذارید تا بتونید به بهترین نتایج برسید. البته می‌دونم که همه کسانی که این مقاله رو مطالعه می‌کنن اینطور نیستن. ولی کسانی که بر اساس سیستم جذب زندگی کردن، تعصب عجیبی دارن که باعث میشه از بسیاری از مسائل عقب بمونن و فرصت‌های بسیاری رو از دست بدن.

در نهایت اگر دوست دارید با همون سیستم جذب به زندگی ادامه بدید، شما کاملا مختار هستید و من هیچ اعتراضی به انتخاب شما ندارم. مهم اینه که توجه داشته باشید، نتایج انتخاب‌های شما، دست شما نیست. شما فقط می‌تونید انتخاب کنید که چه مسیری رو برید. در واقع نتیجه هر مسیر، در انتهای مسیر خواهد بود که نمی‌تونید ازش فرار کنید.